

«پاسخ نقد واحد اصطلاح نامه»

در يك نگاه

محمدعلی رضایی کرمانی

دوم این که کتاب‌هایی که نگارنده از گروه گرفته است، نخست از کتابخانه دفتر در این باره پرسش شده و پس از اطلاع از به امانت گرفتن کتاب‌ها توسط گروه مزبور، برای چند ساعت از آن گروه به امانت گرفته شده است. آیا به امانت گرفتن کتاب از کتابخانه گروه (دفتر) دلالت بر تقدم و پیشی گرفتن در موضوعی دارد، همان گونه که کتاب‌های فراوانی در حوزه علوم قرآن توسط نگارنده به گروه معرفی شده است (چه در مقاله نقد و چه در گفتگو).

۲. آورده اند که در مقاله نقد، از «اصطلاح» به عنوان واحد ساختار اصطلاح نامه نام برده شده و از «کلید واژه» (key word) غفلت شده است.^۶

ولی این گونه نبوده است، زیرا در این صورت صدها کلید واژه که در قالب اصطلاح نمی‌گنجند، محل اشکال می‌بود. بلکه سخن این است که عرض و طول کلید واژه در این اصطلاح نامه تا به کجاست، آیا درست است که «صورت انسانی جبرئیل» به عنوان کلید واژه در اصطلاح نامه فهرست شود، ولی «جبرئیل» آورده نشود، مگر در دیدگاه منطقی مضاف الیه بر مضاف تقدم وجودی ندارد.

۳. آورده اند که در مقاله نقد چنین آمده است: «منابع اصطلاح نامه محدود بوده و یکسان برده‌های اصلی تقسیم نشده است»، و پس از تکرار این مفهوم با عبارتی دیگر و در بند بعدی آورده اند که از ناقد چنین اشکالی تعجب انگیز است که در هر رده، همچون اسباب نزول و ناسخ و منسوخ، به یک اندازه از منابع و کتاب‌ها استفاده شود.^۷

۱. آینه پژوهش، شماره پنجم، سال هشتم، ص ۲۹-۳۷.

۲. آینه پژوهش، شماره ششم، سال هشتم، ص ۵۳-۵۷.

۳. همان، ص ۵۳، ستون اول، بند پایانی.

۴. همان، ص ۵۷، ستون دوم، بند پایانی.

۵. همان، ص ۵۳، ستون اول، بند پایانی.

۶. همان، ص ۵۳، ستون دوم، سطر اول.

۷. همان، ص ۵۴، ستون اول، بند سوم.

از نگارنده مقاله ای در معرفی و نقد کتاب «اصطلاح نامه علوم قرآنی»، با عنوان «سیری در اصطلاح نامه علوم قرآنی» در مجله ارزشمند آینه پژوهش (شماره ۴۷) به چاپ رسید.^۱ در این مقاله پس از معرفی اجمالی و امتیازهای فراوان آن (خصوصاً نخستین کتاب بودن در این باره)، به بررسی برخی از کاستی‌های گوناگون آن پرداخته شده است. واحد اصطلاح نامه علوم قرآن مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی نیز در پاسخ به این مقاله، جوابی با عنوان «پاسخ نقد» آماده ساخت که در همین مجله (شماره ۴۸) منتشر گردید.^۲ هر چند ساختار مقاله «پاسخ نقد» برای پاسخ گویی به مقاله نگارنده، تنظیم شده است، ولی برآستی پاسخی اساسی و مستند به بیشتر کاستی‌های مطرح شده، داده نشده است. افزون بر آن، برخی از جمله‌ها و واژه‌ها، حکایت از عدم آشنایی با آداب نقد کتاب دارد؛ عباراتی همچون: «ما به ایشان کتاب‌های اصطلاح نامه را دادیم»^۳، «هر چند انتظار نداشتیم طرح‌های در دست اقدام ما را به صورت پیشنهاد بیان کنند»^۴ و ...

اینک به اختصار توضیحاتی درباره مقاله «پاسخ نقد» می‌آوریم، با این بینش که در صورت خواندن کتاب، مقاله نقد، و پاسخ نقد، از سوی قرآن پژوهان، دست‌آوردان علوم قرآنی، و آگاهان از نقد کتاب، قضاوت درست و سزاوار در این باره انجام خواهد گرفت. همچنین در این مقاله، از گفتگوهای ناقد و واحد اصطلاح نامه (آنچه گفتیم و شنیدیم) پرهیز می‌کنیم، زیرا گویا سزاوار است که نقد آثار برخی از معاصران، بدون گفتگو و اطلاع منتشر شود. پس به سند مکتوب (اصطلاح نامه علوم قرآنی) روی می‌آوریم و با توجه به دو مقاله (نقد و پاسخ نقد) مطالب زیر را فهرست گونه یادآور می‌شویم.

۱. آورده اند که نویسنده با فن اصطلاح نامه نگاری آشنایی نداشته و کتاب‌های این فن، توسط گروه ما به ایشان داده شده است.^۵

اول این که آیا یقین دارند همه افرادی که نامشان در اصطلاح نامه ثبت شده است، آگاهی شان درباره این فن بیش از نگارنده است؟ و اینکه برای آشنایی با اصطلاح نامه نگاری، با خواندن چند کتاب و گذراندن یک ترم تحصیلی در چند ماه، این مهم به دست نخواهد آمد. که برای برخی این گونه بوده است. ولی دستیابی به علوم قرآنی به عنوان یک تخصص و برای تدوین کتاب در یکی از حوزه‌های آن، در چند ماه میسر نیست.

نقد نگارنده، سند مکتوب است. در آنجا فقط این گونه آمده است که منابع و مآخذ اصطلاح نامه براساس مفاهیم علوم قرآنی، سرشکن نشده است و لزوم بهره گیری از مآخذ براساس یک تقسیم منطقی و نظام مند احساس می شود. و کلمه «یکسان» اصلاً به کار برده نشده است،^۸ زیرا هر نوآموزی می داند که هر بحث با توجه به کم و کیف آن، و گستردگی و اهمیت آن، چه اندازه کتاب برای تحقیق نیاز دارد. اشکال این است که برای فهرست حدود پنجاه اصطلاح «نسخ» از همه ۴۱۵۱ اصطلاح و واژه در اصطلاح نامه، از نزدیک به شانزده عنوان کتاب اختصاصی در این باره سود جسته است، در حالی که «نسخ و منسوخ» یکی از رده های اصلی یازده گانه اصطلاح نامه نیست، ولی مآخذ و منابع «قرآات و قرآء» و «قرآات و تجوید» که صدها اصطلاح و واژه از آنها در اصطلاح نامه فهرست شده است و دورده اصلی از رده های یازده گانه مورد پذیرش اصطلاح نامه است. در حدود همین شمار است (تقریباً بیست عنوان کتاب). و جوابی که در ادامه بحث آورده اند، مفهوماً درست است، ولی در این باره صادق نیست، بنگرید.

همچنین در جواب ناقد که به بهره گیری مختصر از مجموعه تفاسیر در تدوین اصطلاح نامه اشاره کرده است، آورده اند: «اهتمام اصلی، مراجعه به منابع علوم قرآنی است و معارف قرآنی که تفاسیر را در بر می گیرد، از حوزه علوم قرآنی خارج است و این اشکال شاید نشانگر خلط این دو حوزه علمی بوده باشد.»^۹ ولی در چند سطر بالاتر از این عبارت، چنین آورده اند: «استفاده از ۲۷۰ عنوان منبع برای ترسیم بنیان اصلی علوم قرآن کافی به نظر می رسد، خصوصاً که علوم قرآنی در گذشته در ضمن معارف قرآنی [تفاسیر] بیان می شده است»^{۱۰}. آیا این دو عبارت با یکدیگر همخوانی دارد؟! بنگرید.

۴. آورده اند: «ما در حد لزوم از لغت نامه ها و فرهنگ ها و امثال این کتب بهره برده ایم. گویا ایشان متوجه کتاب های منابع علوم قرآنی و کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی در فهرست منابع نشده اند...»^{۱۱} ولی همان گونه که قبلاً هم یادآور شده ایم - آن گونه که از فهرست منابع و مآخذ اصطلاح نامه برمی آید - از هیچ یک از لغت نامه ها، فرهنگ ها، دایرةالمعارف ها بهره نبرده است، در حالی که در این نوع کتاب ها، اصطلاحات فراوانی درباره قرآن و علوم قرآنی وجود دارد.^{۱۲} و از بین صدها عنوان کتاب مستقل و غیر مستقل درباره معاجم قرآنی و کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی (معاجم کتاب های قرآنی، طبقات مفسران، فهرست موضوعی تفاسیر، فهرست موضوعی قرآن، فهرست مقالات و تحقیقات قرآنی، و ...) فقط از حدود ده عنوان کتاب بهره برده

شده است، که فقط دو یا سه عنوان کتاب از منابع اصلی و کارساز این بحث است.^{۱۳} و بر اهل فن پوشیده نیست که استفاده از این دست کتاب ها تا چه اندازه در تدوین اصطلاح نامه کارساز است؛ مثلاً اصطلاحات «اصول تفسیر» و «قواعد تفسیر» در اصطلاح نامه فهرست نشده است، در حالی که در کتابشناسی های مهم علوم قرآنی، چندین کتاب با همین عناوین به چشم می خورد، مانند: مقدمه فی اصول التفسیر، و اصول التفسیر و قواعد، و ...

۵. همچنین آورده اند: «ایشان قبول دارند که از تلاش های مؤسسات استفاده شده، ولی چشمگیر نبوده است.»^{۱۴} ولی باید گفت که بهره گیری از مؤسسات قرآنی بسیار ناچیز بوده است. آیا برای سامان دادن به چند صد اصطلاح درباره ترجمه قرآن، از مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان های خارجی در قم - که فاصله آن چند گام با واحد اصطلاح نامه نیست - بهره گیری شده است، یا دست کم از منشورات آنان استفاده شده است؟! از نگرستن در فهرست منابع، جواب منفی آن به دست خواهد آمد.

۶. آورده اند: «برخی از اصطلاحات پیشنهادی [اصطلاحات مرجح] مربوط به حوزه معارف قرآنی است ... که با تذکر قبلی و قبول آنها، باز هم ایشان این موارد را در نقد گنجانده اند.»^{۱۵} ولی سزاوار بود فهرست پیشنهادی اصطلاحات ناقد را به خوبی می نگرستند تا در پاسخ گویی دقت بیشتری انجام می گرفت. ناقد در این بخش درست ۵۵ اصطلاح مرجح، به عنوان نمونه فهرست کرده است که در اصطلاح نامه نیامده است.^{۱۶} هیچ یک از این ۵۵ اصطلاح، مربوط به حوزه معارف قرآنی نیست، و فقط ممکن است برخی از قرآن پژوهان اصطلاحات «أشد آیات» تا «أشکل آیات» (هشت اصطلاح پیشنهاد شده) را از معارف قرآنی بدانند، ولی سزاوار بود به مقاله نقد دقت

۸. آینه پژوهش، شماره پنجم، سال هشتم، ص ۳۱، ستون دوم، بند چهارم.
۹. آینه پژوهش، شماره ششم، سال هشتم، ص ۵۴، ستون اول، بند پنجم.
۱۰. همان، بند چهارم.
۱۱. همان، ص ۵۴، ستون دوم، بند چهارم.
۱۲. به جز «فرهنگ معارف اسلامی» دکتر سید جعفر سجادی. و کتاب «دایرةالمعارف قرآن» حسین عمادزاده، همچون دایرةالمعارف های مصطلح نیست.
۱۳. همچون: آشنایی با تفاسیر قرآن، کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی، طبقات مفسران شیعه، طبقات المفسرین، مفسران شیعه، علوم قرآن و فهرست منابع آن، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، و سه یا چهار کتاب دیگر.
۱۴. آینه پژوهش، شماره ششم، سال هشتم، ص ۵۴، ستون دوم، بند پایانی.
۱۵. همان، ص ۵۵، ستون اول، بند پنجم.
۱۶. آینه پژوهش، شماره پنجم، سال هشتم، ص ۳۲، ستون دوم، بند سوم. این شمارش با احتساب اصطلاحات داخل پراکنده است.

می کردند که در آن آمده است: یا دست کم اصطلاح «ارجی آیات» که می تواند شهرت «افضل آیات» را داشته باشد، فهرست شود و یا هیچ کدام [از ۸ یا ۹ اصطلاح] آورده نشود.^{۱۷}

همچنین آورده اند: «پاره ای از اصطلاحات پیشنهادی ایشان، همانند «اتجاهات تفسیری» مبهم و دوپهلوس است و در حوزه زبان فارسی به طور واضح به کار نرفته است».^{۱۸}

ولی اصطلاح پیشنهادی در مقاله نقد بدین گونه بوده است: «اتجاهات تفسیری (گرایش های تفسیری)،^{۱۹} که «اتجاهات تفسیری» را نپذیرفته اند و هوشمندانه به مترادف آن (گرایش های تفسیری) اشاره ای نکرده اند، در حالی که هیچ اصطلاحی که بیانگر این مفهوم باشد نیز در اصطلاح نامه فهرست نشده است.

۷. در بخش «حذف اصطلاحات غیر مرجح» از مقاله نقد، ۵۵ اصطلاح، به عنوان نمونه، پیشنهاد شده که در اصطلاح نامه فهرست نشده است.^{۲۰} و در پاسخ نقد نیز تنها درباره ده اصطلاح، سخن گفته شده و از پذیرش یا رد ۴۵ اصطلاح دیگر، سخنی به میان نیامده است؛ مثلاً آورده اند که اصطلاحات «سر سوره ها»، «مانند ناپذیری قرآن»، «تحریف ناپذیری قرآن» دارای سند نیستند و کاربرد نادری دارند.^{۲۱}

ولی باید گفت: عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود، زیرا این سه اصطلاح به ترتیب در کتاب های زیر آمده است: در آستانه قرآن، رژی بلاشر، ترجمه دکتر محمود رامیار، ص ۱۶۱؛ بیدارگران اقلیم قبله، استاد محمدرضا حکیمی؛ قرآن پژوهی، جناب بهاء الدین خرمشاهی، ص ۸۵.

و یا آورده اند: «اگر [اصطلاح]، جمع سالم باشد و در نظام الفبایی در یک جا قرار گیرند، به هم ارجاع داده نمی شود... پس «اقصر آیات» به «اقصر آیه» ارجاع نشده است.»^{۲۲} ولی اگر این یک قاعده فراگیر باشد تا آن جا که دیده شد برخی از جمع های با «ین» عربی به جمع های «ان» فارسی ارجاع شده است، در حالی که در نظام الفبایی در یک جا قرار گرفته اند و کمترین فایده ای برای خواننده ندارند، به این اصطلاحات بنگرید: مخاطبان قرآن، مخاطبین قرآن، حافظان قرآن، حافظین قرآن، مؤلفان علوم قرآنی، مؤلفین علوم قرآنی، و... که پشت سر هم در اصطلاح نامه فهرست شده اند.^{۲۳}

نیز آورده اند که کاربرد اصطلاح «ایحاء» نادر و ناشناخته است، ولی سزاوار بود به کتاب «مباحث فی علوم القرآن» صبحی صالح - که از منابع اصطلاح نامه نیز بوده است - می نگریستند تا درباره «ایحاء» و فرق آن با «وحی» مطالبی بیابند.^{۲۴}

همچنین آورده اند: «بعضی از اصطلاحات نامرجح پیشنهادی ناقد، صلاحیت ارجاع ندارند و واضح است که با

اصطلاح اصلی مترادف نیستند؛ مانند: معانی القرآن - تفسیر قرآن، اسلوب سور مکی - ضوابط سور مکی، مفسران بلاغی - تفاسیر بلاغی، اسلوب سور مدنی - ضوابط سور مدنی، شناخت قرآن - شناخت تاریخ قرآن».^{۲۵} ولی هر چند پنج اصطلاح غیر مرجح در اصطلاح نامه نیامده است، افزون بر آن درباره چهار اصطلاح، رابطه ترادف و شبه ترادف وجود دارد؛ مثلاً «معانی القرآن» عنوان ده ها کتاب است که به بررسی اعراب و اژه های قرآن و تفسیر عبارات های قرآنی پرداخته شده است، از این رو ارجاع آن به «وجوه قرآن»، «اعراب قرآن»، «غریب قرآن» و یا «تفسیر قرآن» ممکن است. برای بررسی بیشتر به یکی از کتاب های «معانی القرآن»، اثر فرآء (م ۲۰۷هـ) و زجاج (م ۳۱۱هـ) بنگرید که اولی به کتاب های «اعراب قرآن» و دومی به کتاب های «تفسیر قرآن» شباهت بیشتری دارد.

همچنین «اسلوب سور مکی» و «اسلوب سور مدنی» با «ضوابط سور مکی» و «ضوابط سور مدنی» شبه ترادف دارند، که دو کتاب برای بررسی بیشتر معرفی می گردد: موجز علوم القرآن، داود العطار، ص ۱۴۲؛ [ترجمه آن] آشنایی با علوم قرآنی، سید محمد رادمنش، ص ۱۷۰. (هر دو کتاب از منابع اصطلاح نامه بوده است.) و اصطلاح «شناخت قرآن» نیز عنوان چندین کتاب، همچون اثر آقای سید علی کمالی دزفولی است که با تاریخ قرآن و شناخت تاریخ قرآن، مترادف است.

نیز می خوانیم: «در پاره ای از موارد [اصطلاحات] ارجاع شده است، ولی از طرف ناقد محترم غفلت شده و دوباره پیشنهاد داده شده است، مانند: تشکیل قرآن - اعراب گذاری قرآن».^{۲۶} ولی چنین پیشنهادی اصلاً در مقاله ناقد وجود ندارد، بنگرید.

همچنین آورده اند: «آماری که در این قسمت از طرف ناقد محترم ارائه شده، همانند دیگر نمونه ها با تعداد اصطلاحات ذکر

۱۷. همان، ص ۳۳، پاورقی شماره ۲۵. همچنین این پاورقی، پاسخی برای مقاله پاسخ نقد (ص ۵۵، ستون دوم، بند دوم) خواهد بود.
۱۸. آینه پژوهش، شماره ششم، سال هشتم، ص ۵۵، ستون اول، بند ششم.
۱۹. آینه پژوهش، شماره پنجم، سال هشتم، ص ۳۲، ستون دوم، بند سوم.
۲۰. همان، ص ۳۳، ستون دوم، بند چهارم. این شمارش با احتساب «اصول تفسیر - قواعد تفسیر» به عنوان دو اصطلاح است، زیرا هر دو در اصطلاح نامه نیامده است.
۲۱. آینه پژوهش، شماره ششم، سال هشتم، ص ۵۶، ستون اول، بند سوم.
۲۲. همان، بند اول.
۲۳. اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۲۹۲، ۱۹۳، ۳۱۲.
۲۴. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۲۳.
۲۵. آینه پژوهش، شماره ششم، سال هشتم، ص ۵۶، ستون اول، بند چهارم.
۲۶. همان، بند ششم.

شده، تفاوت بسیار است. «^{۲۷} ولی در این قسمت (حذف اصطلاحات غیر مرجح) به هیچ گونه آماری ارائه نشده است. شایسته بود که پس از تدوین پاسخ، آن را بازنگری می کردند تا این گونه لغزش ها رخ ندهد.

۸. و آن گاه می خوانیم: «در این بخش (حذف اصطلاحات مرجح و غیر مرجح) ایشان با مقایسه بین اصطلاحات به شبیه سازی پرداخته است و این ... کار نادرستی است.»^{۲۸} ولی گویا هو شومندان به استنادات پاورقی مقاله نقد (ص ۳۵ و ۳۶) توجهی نکرده اند که برای اصطلاحات ترجمه قرآن و اصطلاحات پیشنهادی، چهار کتاب معرفی شده (با شماره صفحات) که دو مورد از آنها از منابع اصطلاح نامه بوده است!

۹. همچنین آورده اند: «اگر باید همه اصطلاحات به طور میانگین مترادف داشته باشند همانگونه که این معنا از نقد ایشان به دست می آید. کلامی بی اساس و غیر عملی است ...»^{۲۹} آیا این انصاف است که از مقاله نقد چنین برداشت شود؟ در آن جا آورده ایم که با توجه به این که برای اصطلاح مرجح «ترجمه لفظی قرآن»، نه اصطلاح غیر مرجح فهرست شده است، از این رو سزاوار بود برای همه اصطلاحات به گونه ای نظام مند نگریسته می شد، ولی ناهماهنگی در این مورد بسیار فراوان است. سپس نمونه هایی از ارجاعات اصطلاحات جمع با «ین» به «ان» را آورده ایم که در مقاله «پاسخ نقد» جواب درستی ارائه نشده است،^{۳۰} و در این باره، در همین مقاله (چند بند قبل) به آن اشاره شده است.

۱۰. در بخش بعد می خوانیم: «اشکال ناقد محترم بر ورود پاره ای از اصطلاحات، مانند: اجرت تعلیم و تربیت، فضیلت تعلیم و تربیت، و صورت انسانی جبرئیل، که بهترین راه انتقال اطلاعات در امر ذخیره سازی است، نشان از عدم توجه به این مهم و اساسی است.»^{۳۱} ولی گویا مقاله نقدی درست خوانده نشده و یا اشتباه چاپی رخ داده است، زیرا در مقاله نقد، سه اصطلاح یاد شده، این گونه آمده است: «اجرت تعلیم و تعلم قرآن، فضیلت تعلیم و تعلم در قرآن، صورت انسانی جبرئیل.»^{۳۲} درباره واژه ترکیبی سوم، قبلاً مطالبی آورده شد، و درباره دو مورد اول، نیز باید گفت که اگر این گونه به اصطلاحات و کلید واژه های علوم قرآنی بنگریم، حجم اصطلاح نامه باید دو برابر گردد، زیرا موارد بسیاری فهرست نشده است.

۱۱. و درباره اصطلاحات کمکی (چک لیست) و مرکب آورده اند که این دو با هم خلط شده است.^{۳۳} پرسش این است که آیا آوردن این دو نوع اصطلاح در یک بند و فصل، نشانه خلط

بحث است. سؤال اساسی که بی پاسخ مانده این است که گسترش نابهنجار این گونه اصطلاحات (صدها اصطلاح در اصطلاح نامه) نیاز به بازنگری دارد، هر چند به طور ضمنی آورده اند که در ویرایش دوم کتاب، این گونه اصطلاحات به صورت ضمیمه چاپ خواهد شد.^{۳۴}

۱۲. و در بخش بعد آورده اند که اشکال حذف برخی از زیربخش های اصطلاحات که توسط ناقد آورده شده است، اساسی نیست.^{۳۵} در حالی که در همگی موارد پیشنهادی ناقد، در موارد مشابه آن، در اصطلاح نامه آن زیربخش ها آورده شده، ولی درباره موارد پیشنهادی، حذف انجام شده است؛ مثلاً در زیر اصطلاح «ثواب سور»، اصطلاح «ابسته سور» نیامده است، در حالی که در زیر اصطلاح «ثواب آیات»، اصطلاح «ابسته آیات» آمده است،^{۳۶} و بین این دو اصطلاح، در آوردن اصطلاحات «ابسته» فرقی نیست و در همه موارد پیشنهادی نیز این گونه بوده است.

۱۳. در پایان آورده اند: «انتظار نداشتیم طرح هایی را که هم اکنون مجموعه ما مشغول انجام آن است و یا در دست اقدام دارد، به صورت پیشنهاد بیان کنند.»^{۳۷} ولی از سه پیشنهاد ناقد (تعریب اساسی اصطلاح نامه، مستند سازی اصطلاح نامه، تدوین دایرة المعارف علوم قرآنی بر مبنای اصطلاح نامه)،^{۳۸} دومی در نظر و دیدگاهشان صائب بوده است و پیشنهاد اول و سوم از جانب ناقد طرح گردیده است، و الله یشهد، والسلام خیر الختام.

○

۲۷. همان، بند هفتم. و اگر مراد آمار فصل بعدی مقاله نقد است که نمونه های فراوان آن آورده شده است.

۲۸. همان، بند پایانی.

۲۹. همان، ستون دوم، بند دوم.

۳۰. آینه پژوهش، شماره پنجم، سال هشتم، ص ۳۵، ستون دوم، بند دوم.

۳۱. آینه پژوهش، شماره ششم، سال هشتم، ص ۵۷، ستون اول، بند دوم.

۳۲. آینه پژوهش، شماره پنجم، سال هشتم، ص ۳۶، ستون دوم، بند دوم.

۳۳. آینه پژوهش، شماره ششم، سال هشتم، ص ۵۷، ستون اول، بند سوم.

۳۴. همان، بند ششم.

۳۵. همان، ستون دوم، بند اول.

۳۶. اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۱۹۰.

۳۷. آینه پژوهش، شماره ششم، سال هشتم، ص ۵۷، ستون دوم، بند پایانی.

۳۸. آینه پژوهش، شماره پنجم، سال هشتم، ص ۳۷، ستون دوم، چند بند پایانی.